

# حقیقت

شماره ۱۴۸ ۱۴ آذر ۱۳۶۰

## یادداشت‌های درباره ولایت فقیه

(دنیاله از شماره‌های بسین)

### طرح فهد موضوعی جمهوری اسلامی وموضوع ما

اخبار کنفرانس سران عرب که در مراکش منعقد شده بود، تا آنجا که گذاردن دستور جلسه، خود، کار خود را به بیان رسانید و ادعا کرد که کنفرانس را به تاراج نامعلومی درآید و موقوفه در کار کنفرانس عدم توافق سران کشورهای عرب بر سر چگونگی برخورد به طرح فهد برای خاتمه دادن بدوستیت مسیح و بحرانی خاور میانه اعلام کند. چنانکه در بیان این کنفرانس اظهار شد که: "زمان گفتگو بجز موعود طرح ۸ ماده‌ای فهد نیست و زود است" (اطلاعات، ۷ آذر).

در واقع به تشویق اعصاب کنفرانس سران عرب در مراکش خود نموده، با رزی از بحران عینی اسلام را سرمنطقه خاور میانه را فرا گرفته و از کساکش‌های شدید سیاسی پشت پرده و عیاشی حکایت میکند که در میان اسر قدرتی و نیروهای وابسته به آنها و نیز میان ملل ستمدیده

### مالکیت ارضی ودعوی کنونی بر سر اعمال ولایت فقیه

(یادداشتی بر طرح ارضی سوکلی وزیر جدید کار)

مسئله، سیستم مالکیت استبدادی ولایت فقیه، و با به نحوه بهره‌برداری از آن مسئله عبارت دقت سلطنت فقیه، نه اساسی اقتصاد ایران در شرایط پنهان فادریه جل بحران مالکیت کنونی است. بحران کنونی در اقتصاد ایران به نفع جامع جامعه با بر سر سیستم مالکیت و دموکراسی و خلق نبوده، بلکه مضمون آن در زمین‌های با تناقضات متعدد در خود آنها مختلف با سبک کشاورزی، صنعت، تجارت و غیره ناشی از قیاس نمونه، با رزی از بحران سران پیرومندان، به هم ماه ۱۳۵۷ مالکیت در اوضاع واحوال در خلق بیدار مالکیت کمپرادور کنونی، بحران در چگونگی "حل" فئودالی رژیم پهلوی نهفته مسئله، مالکیت در کشاورزی و است. هیئت حاکمه بیوزوا - شوه، بهره‌برداری از زمین، یا فئودال کنونی در شکست

اغلبه بر طرف عدای از انقلابیون با م "سربداران" منتشر کرده که ما برای آگاهی بیشتر مردم ایران اقدام به در آن مستقیم

اطلاعیه نظامی شماره ۱ سربداران

## گزارشی مختصراً ز عملیات اولیه سربداران

در بین دورستان محمدآباد دور که بستند و بدین اولین اطلاعیه سربداران که تا مل اعلام موجودیت و مواج اهداف اساسی ما برداختند. این راهپندان دوا عت و نیمه‌دانه‌دانت وطنی اینس دوا عت و نیمه در حالیکه گروهی از رزمندگان در کمین های خنود مترصد دیده شدن کوچکترین حرکتی از طرف مزدوران دشمن بودند گروهی دیگر در روی جاده بگفتگو با مردم، پیش اعلامیه و توضیح اهداف و نظرات سربداران پرداختند. این حرکت ما با استقبال پر شور مردم روبرو گردید. بسیاری از جوانانی که در دو طرف راهپندان ما دیده بودند، در پیش اعلامیه و بستن راه بگفتگو با ما پرداختند. مردم برای دادن هرگونه کمکی به سربداران آماده بودند و راستی این شور و توف در همکاری و همدلی مردم سربداران

سربداران، جراتی که با هدفگیری شخصی سرنگونی رژیم جبار و خیانت پیشه خمینی و با ایمان به لزوم قیام نیروهای انقلابی به عنوان تنها راه نجات مین و مردم از سلطه حکام خون آشام، در شرایط پراز کودتای خردا دندارک فعالیت نظامی خود را آغاز کرده بود. بدین حال کسب آغاه گیهای اولیه، میدان سردر و پنا روی با مزدوران رژیم خمینی را کشود و مرور در حالیکه کماکان در آغای زاین راه است لازم میدانند گزارشی مختصراً از عملیات اولیه خود را به پیشگاه شما مردم آگاه و مبارز تقدیم داشته، آغا و حرکت ما مکران خود را اعلام دارد.

۱ - راهپندان جاده تهران - آمل : روز هجدهم آبان ماه جاری رزمندگان سربداران ساعت ۵/۳۰ جاده تهران - آمل را

شماره ۱۴۸

بقیه از صفحه اول

مالکیت ارضی و ۵۵۵۵۵

بعبارت دقیق تریحساران در حل مسئله زمین و شیوه استثمای درجای معه، روستاییان است، با اعتباری بحران در حل مسئله مالکیت ارضی، حداثرین بحران در مسئله مالکیت در انحصار کنونی ایران است. آن اعتباری که ریشه در نعیین و تکلیف موقعیت نزدیک به ۲۰ میلیون دهقان زحمتکش روستایی و همچنین تناقضات متعدد در این زمینه در حیثیت حاکمه کنونی در گذشته و حال دارد.

در چنین شرایطی، در حالی که لایحه مصوبه شورای انقلاب در زمینه ارضی از جانب سلامتی وزیر کثا و رزی به مجلس ارائه شده، طرح جدیدی در زمینه ارضی از جانب ۱۶ تن از نمایندگان مجلس که نوکلی وزیر جدید کثا و رزی است، در مقابل آن و برای دقیقتر نمودن آن نیز ارائه شده است.

طرح جدید ارضی نوکلی بدینها از جنبه اهمیت حاصل مسئله مالکیت ارضی در اتحاد کمونی ایران، بلکه بخاطر حمایت وسیع بخش های مهمی از هنت حاکمه کنونی سیزداری کمال اهمیت است. نیروهای از هشت حاکمه که بطور علنی حامی طرح نوکلی هستند و یا تلویحا با مفاد آن توافق داشته و دارند عبارتند از مراجع بزرگ تقلید مانند آیت اله گلپایگانی و... سران حزب جمهوری اسلامی مانند رفسنجانی، موسوی اردبیلی و... فقهای شورای نگهبان مانند خلی، هاشمی، ربانی شیرازی و... روحانیون

مدارس مذهبی و اشعه، جماعات مانند محمد یزدی، مکارم شیرازی، آذری قمی، محمدی کیلانی، آیت اله روحانی، دستغیب، ناطق نوری و... و با لایحه مقامات دولتی مانند ولایتی و...

بدین ترتیب بررسی لایحه جدید ارضی به علل ذکر شده دارای اهمیت خاصی میباشد. آنچنان اهمیت که با توجه به فوریت طرح مسئله ارضی در مجلس و اعمال ولایت فقیه برای "حل" آن، با مطرح شدن طرح جدید، عسوان شدن مسئله ارضی در مجلس به تبعیق افتاده است! در نتیجه برای بررسی طرح جدید، توجه اجمالی به چند نکته حائز اهمیت است.

۱- لایحه پیشنهادی سلامتی وزیر کثا و رزی به مجلس، که طرح نوکلی در مقابل آن و برای دقیق تر نمودن آن مطرح شده. همان لایحه مصوبه شورای انقلاب در ۲۵ شهریور ماه ۱۳۵۹ است. با این تفاوت که ۳ تبصره به ماده ۴ آن در مورد اراضی معروف به بند "ج" و "د" اضافه شده است. دلیل آنهم به گفته وزیر کثا و رزی آنست که لایحه تصویب شورای انقلاب "در عمل در خموش تعیین ارزش نسبی (یعنی ارزش زمین مالکین و تا سیات آن) با مختصر نارضایتی مواجه گردیده است." (اطلاعات ۶۰/۶/۱۸) تبصره فوق مسئله پرداخت "ارزش" ارضی محاد رنده به مالکین را مطرح نموده که در واقع تسع تغییر به نفع مالکین است. سوال آنست که در گذشته به دفعات لایحه ارضی مصوبه شورای انقلاب را بررسی کرده و ماهیت بورژوازیست و سوال آنرا نشان داده و صدیت آنرا با منافع نوده میلیونی دهقان بی زمین و کم زمین ما طرفشان نموده ایم. اختلاف طرح نوکلی با لایحه مصوبه

شورای انقلاب و پیشنهاد شده از جانب سلامتی بر سر کلیت آن نیست، بلکه بر سر دقیق تر نمودن مواد مربوط به اراضی بند "ج" و "د" است که در لایحه کنونی مصوبه شورای انقلاب بطور مبهم بیان شده است. لایحه مصوبه شورای انقلاب که با توجه به جنبش قدرتمند دهقانی سال های ۵۸ - ۵۷ و برای خاموش نمودن آن تنظیم شده، در عین حال حفظ حمایت و هواخواهی خرده بسوزواری بویژه سنی شهری از حکومت را نیز مدنظر داشته است. در نتیجه مواد معروف به بند "ج" و "د" به شیوه ای مبهم تنظیم شده است در شرایط مناسب برای بورژوازی و غشودال های حاکمی حکومت، با اعمال ولایت فقیه، از آنها مخرج و بد نفع آنان و منافعتان دقیق تر شود، و اکنون آن شرایط بدون آنان فرار شده است.

۲- طرح نوکلی، آنطور که در باره آن تبلیغات مینماید، بصورتی "رادیکال و مترقی" عرضه شده است. او در مصاحبه ای نکات اساسی طرح خویش و اختلافات آنرا با لایحه مصوبه شورای انقلاب بیان داشته است (مصاحبه با اطلاعات ۱۳). او طاهرا اعلام میکند که سندهای معروف به بند "ج" و "د" در لایحه مصوبه شورای انقلاب بد نفع مالکین بوده! رسهین جهت ادعا میکند که "در طرحی که نمایندگان داده اند ما این سرنها که کشیدن زمینداران بزرگ فرار دارد" (تکیه از ما است). او سپس در توضیح بیشتر عسوان میکند ما لکینی گزاره غضب زمین نگار بدست آورده اند می با سنی حاکمه شده و زمین هایشان صادره شود. بدین ترتیب، نوکلی ضمن ادعای بد این نکته که سندهای "ج" و "د" لایحه مصوبه شورای انقلاب به نفع مالکین بوده، طرح خویش را در صدیت بسیار

فشودا لها و به محاکمه کشیدن آنان اعلام میدارد!! ولی آیا چنین است؟ و یا طرح نوکلی حتی فئودالی تر از لایحه مصوبه شورای انقلاب است؟ پس طرح نوکلی و ۱۵ نماینده مجلس را باید آنطور که هست شناخت و سندها را آنطور که او در باره آن تبلیغ میکنند.

۳- نوکلی در مصاحبه خویش، در حالی اساسا و نسبت نظریات مطرح شده در طرح ارضی خویش را بیان میدارد. ما برای طولانی شدن مطلب به همسان گفته، او استا می کنیم، نوکلی میگوید:

"۳- بازگرداندن احترام به مالکیت، چرا که وقتی از غضب بعنوان یک ضد ارزش میتوان سخن گفت، کسسه مالکیت ارزش داشته باشد. جوی که در طول اجرا و توقیف بند (ج) و (د) در جاده احداث شده این کمان را در بسیاری بوجود آورده بود که اساسا بیش از سه برابر عرف محلی زمین داتن خلاف اسلام است و هر کس هما نقد زمین با پیدا شده یا شکه خسود و خا سوادها این بیواضدروئی ن کارکنند که در نتیجه طمعها باب مراغه و حارکسه از سلطنت فقه شیعه است. سظیل شدنی و سسد ارزش بلقی کرد... نتیجا بعد از بسکه اکثر متصرفان بزرگ بدلیسل تا مشروع بودن نصره شان خلق بد میشوند، سندا دریا - نی از مالکین هم به ایس ترتیب طلع بد میشوند و آسوقت میا سندا تعداد بسیار اندکی که سه غضب کرده اند و نه طم و ا جفا و هموار سهم عمومی را از در آمد خود هم بردا سندا کد این طرح احترام بد این دست سدا از افراد را ولو بسما ر کم هستند احترام به ارزش های اسلامی و تحکیم نهاد ارزش بلقی شدن غضب میداد.

بقیه از صفحه ۲  
مالکیت ارضی و ...

"اگر گفته شود که این دسته از مالکان را هم با ولایت زمینشان را بخیریم و سه مستضعفان بدهیم متسا با انتقال زیاد شود، پاسخ روشنش اینست که متسا امینا ر لازم برای خرید چنین زمینها را می توانیم صرفا حیات زمین های موات بیشتر کنیم تا آیش های را همزمان با زمین های پرکشت بکار گیریم ... این نکته بسیار درخور توجه است که اعمال ولایت تنها در مواقع ضروری و بطور موقت ممکن است واکستر بتوانیم از طریق دیگر (سموای صورتی روتی بالا) نمودار حاصل کنیم محاذ اعمال ولایت نخواهیم بود ... فرقی دیگر اینست که در مصوبه قبلی زمین های واگذار شده مالکیت افراد و با شرکت های درسی آندولی در این طرح پس از یک دوره آزمایشی در صورت عملکرد مطلوب زمین به فرد یا شرکت استعاری نه استعاری طویل الحده فروخته شده میشود تا احساس امنیت ملکی ... بیشتر گردد."

(تأکیدات ارمانست)

اظهارات و نظریات فوق بدست ننگه اساسی در باره طرح جدید ارضی اشاره دارد.

الف - آنکه مالکیت کنونی ارضی، بویژه مالکیت

بررک، تحت عنوان "مشروع بودن" و "اسلامی نبودن" تثبیت میگردد. به چه ترتیب؟ بدین ترتیب که ایثار مصادره ارضی فئودال ها را تعیین مشروع نبودن آن از طریق محاکمه قرار داده اند. روشن است که مقوله، مشروع بودن و یا نبودن مالکیت های ارضی مقوله ایست قائل بر تفسیر، مبهم و گنگ در شرایط گوناگون تعبیرات مختلفی از آن میشود. با توجه به ترکیب بورژوا فئودالی هیئت است حاکمه کنونی و مدارهای اسلامی آن، تعیین معیار مشروعیت بگردن تعیین دادن یا ندادن خص و ذکات بسند مراجع تقلید در گذشته و حال و امثالهم دور خواهد زد. که در این زمینه مالکین انفرادی چندین دهه در اثنای است مشروعیت مالکیت مورثیست دارند. در حالی که فئودالیسم در شرایطی که مشروعیت تاریخی خویش را از کف داده و ظلم و ستم قرون وسطایی سر نهادن میهن ما به پیرین ستمدان مشروع بودن این نوع مالکیتهاست. علاوه بر اینها مشروع بودن مالکیت های فئودالیسی، از طریق محاکمه و نه از طریق اعمال ولایت تقیه که در طرح عنوان شده، اگر هم بخواهد عملی نمودن آنها بطول خواهد انجامید. بدین ترتیب طرح جدید ارضی عدم مصادره زمین های مالکین ارضی و تثبیت مشروعیت کنونی آنان را مستند نظر دارد. و اینکه آن دسته از مالکین ارضی که تا کنون مشروع بودن املاکشان ثابت نمیشود، نمودار خواهند بود به مخالفین حکومت کنونی، که جزو مهمی از آن مسلما مالکیت های کوچک متوسط سرمایه داری و نیمه سرمایه داری بورژوازی ملی و املاک مالکین لیمرال با توجه به ماهیت طبقاتی هیئت حاکمه وصف بندی سیاسی کنونی در جامعه قرار خواهد داشت. (چه

در شرایط کنونی اساسی مالکیت فئودال کمپراوری با تدهیلوی در حین انقلاب مصادره شده و در بدو دولت فسرار دارد.)

اختلاف اساسی طرح نوکلی با لایحه، مصوبه شورای انقلاب، در این نکته است که مشروعیت و یا اعلامیست مالکیت های ارضی نباید بر اساس اعمال حقوق مربوط به ولایت تقیه باشد. در نتیجه مسئله، ارضی از هم اکستون میبایستی در چارچوب احکام اولیه اسلام، که همان حسنه سهام کمال مالکیت هستی فئودالی اسلامی است. حل فصل کرده، اعمال ولایت تقیه در چارچوب احکام ثنائیه، که با توجه به بحرانی نبودن جامعه روستایی، و چا دیسودن مسئله زمین برای دهقانان در ارض بطور موقت اعمال کرده، مورد مخالفت این طرح است. بدینست برای روشن تر کردن این مسئله به بحثی که نوکلی درباره اعمال ولایت بر مسئله ارضی نموده و جواب فاضل هرندی حاکم سرع هیئت های ۷ نفره زمین، توجه نمائیم.

در مصاحبه فوق، در پاسخ سوال: "آیا اجرای این طرح احتیاج به اعمال ولایت دارد؟" نوکلی چنین پاسخ میدهد: "تنها در مورد کوچک بگی در داده که حیور است زمین های خود را بد اشخاص حقیقی و حقوقی بگذراند معین میکنند. سزا رسا اجازه میدهد. دیگری در بند ۷ ماده ۹ که انتقال زمین های واگذار شده را در دوره آزما یی چند پس از تخلیک بدون اجازه هیئت هفت نفره ممکن نمیداند."

بسیار خوب مطلب روشن است و ایثار اعمال ولایتست فقید را تنها در مورد کوچک تا شید نموده و نه در مسوورد مالکیت های فئودالیسی! جهت اعلام فاضل هرنندی، از

عدا نفس لایحه، مصوبه شورای انقلاب، به طرف مقابل را گرفته و در پاسخ به سوال: "آیا در طرح (جدید) اجزای حکم امام را در رابطه با اعمال ولایت مصادی پیدا میکنند و یا خیر؟" امام در این طرح تصریح نموده اند: "درسی آید؟" (اطلاعات ۲۸: ۱۸۸) نیگوید: "البته در طرح، مسئله اعمال ولایت نصیان آنگاه است ولی در آن موردی که اعمال ولایت مصادی پیدا کرده است بنظر ما آنجا، جایی نیست که مایه نیازی به اعمال ولایت داشته باشد. چون در مورد زمین های بررک مالکیت که مالکیت آیین مشروع است گفته شده است که اگر مالکین بد احار را به مزایه حاضر شدند در این مورد بر نظر حاکم شرح اعمال ولایت شده است. اجاره را مزایه گذاشته میشود. در حالی که میبایست در خصوص تاریخ، به لایحه بر سرین هایی که بدوستان تیان داده است متسا یا تحت عنوان اجاره دیوید یا تحت عنوان مزایه، اینجاست جایی نیست که مایه نیازی به اعمال ولایت داشته باشد." سپس می افزاید: "اگر راه زمینی کردن روستایی منحصر بود به اینکه زمین دایره او داده شود بدو از پرداخت حق نسق یا بنای زمین، در خود نالیده شد شده است یا اعمال ولایت و نه نظر حکم حاکم، زیرا که مقیدند و بدوستانی میدهند."

در نتیجه نوکلی و سرکما خواستار تثبیت سهام و گسترش موقعیت کنونی مالکیت های فئودالی در روستا بوده و با هر نوع تغییرات جزئی، آنها بطور موقت با اعمال ولایت نیکه و برکت به احکام اولیه بعد از رفع شدن حادث زمین در روستا، کاملاً مخالفت! بدین ترتیب تف بندی بر مسئله مالکیت ارضی با صف بندی بر سر قوس ولایت تقیه (حداقل در زمینه ارضی) در میان هیئت حاکمه یکی میشود. صف بندی در زمینه در صفحه ۴

بقیه از صفحه اول

طرح آمریکایی فهد و هه

عرب و بیوزده جنبش مقاومت فلسطین از یکسو و تمام جریانات ارتجاعی، صهیونیستی و امپریالیستی جریان دارد.

طرح فهد که کوششی جهت حل مرتجعانه، این بحران فراگیر منطقه، خاورمیانه است، آنگونه که سران جمهوری اسلامی تبلیغ میسازند، شکست نخورده است، بلکه فعلا مجموعه شرایط برای پیاده شدن چنین طرحی آماده نیست و تمامی نیروهای خصم بسیج شده اند تا زمینه پیاده شدن چنین طرحی را فراهم نمایند. از این جهت است که فعلا طرح نهاده تصویب افتاده است.

در اینجا لازمست تا با بررسی وضعیت منطقه، خاورمیانه و سیاست های آمریکا و تضادهای که با آن روبروست، دست بسنه بررسی طرح فهد و عواقب آن بزنیم.

بطور اجمال، بحران موجود در خاورمیانه، ناشی از چهار عامل اساسی است: ۱- حضور امپریالیسم بیوزده آمریکا در این منطقه و تشکیل دولت صهیونیستی و تاجران اسرائیل، به تعبیر ما، زاندار امپریالیسم در منطقه، که علت اصلی تمامی تشنجات سیاسی و نظامی در منطقه میباشند. ۲- وجود یک جنبش مقاومت وسیع و با سابقه، فدا صهیونیستی و فدا امپریالیستی در میان توده های عرب و بیوزده جنبش مقاومت فلسطین که بسیاری حق تعیین سرنوشت خویش میزنند. ۳- رقابت میان دو امپریالیسم آمریکا و روسیه بر سر مناطق نفوذ در این منطقه، اسرائیل و با لاجرم ۴- تضادهای ازشغال سرزمین های کشورهای عربی - که برخی مانند مصر و اردن مستقیم و مستقیمه آمریکا هستند، توسط اسرائیل تاجران و زکرها.

مجموعه این عوامل و تضادهای که از مهمترین تضادهای موجود در منطقه میباشند، علت بحران و تشنجات سیاسی و نظامی در منطقه را بیان می دارند. طبیعی است که امپریالیسم آمریکا با توجه به توان فوق است که سیاست خود را منتهی بر تحکیم سلطه، خرد در منطقه و سرکوب جنبش های فدا امپریالیستی و ایجاد دیسک کمر سبک خانی برای جلوگیری از توسعه و نفوذ امپریالیسم شوروی تدوین مینماید.

آمریکا از یکسو، ایجاد دو تقویت با یکدیگر در منطقه را دنبال می نماید. در اردن و مصر و یوگوسلاوی و عربستان و تجهیزات آن به بدین ترین و با بیل جنگ افزار و دیگر وسایل ایجاد یک نیروی زکانش بر سطح هزار نفری مقاصد دیده در فوق را دنبال میکند. ما بخواهیم آمریکا و مصر، معروف به "سناره درخشان" و اندامه یکماهه، این ما نور در سوماتالی و عمان بوضوح خط اساسی امپریالیسم آمریکا را برای سرکوب قیام های مردمی و در عین حال برای مسترد یافت خود با بر قدرت شوروی بیان میدارد. در عین حال امپریالیسم آمریکا در کناره این اقدامات در عرصه وسیعی از فعالیت های سیاسی در منطقه فعال است که آخریستن شکر داران را بعنوان در "طرح" شاهرده فهد ملاحظه کرد.

سیاست امپریالیسم آمریکا در دهه گذشته بطور عمده سبک بردن دولت یوتالی اسرائیل برای پیشبرد مقاصد خود است. لیکن

عدم موفقیت این سیاست و پیدایش ورشکندگی های دیگر در منطقه، آمریکا را مجبور به تغییراتی در سیاست خود نمود. از جمله تغییرات ویا عواملتی، که میتوان ذکر کرد، مهمترین آن شکست ناپذیری جنبش مقاومت فلسطین و گسترش نفوذ آن و دیگر تضاد میان اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه که از اشغال سرزمین های عربی ناشی شده میباشند. در دهه گذشته امپریالیسم آمریکا با طرح معروف به "راجرز - گرومیکو" سعی نمود تا شعله های انقلاب فلسطین را خاموش نماید. بدین منظور این طرح در پی آن بود که مردم فلسطین را تحت یک رژیم یوتالی و تحت الحما به رژیم اردن در آورده و در عین حال به شدیدترین وجهی جنبش مقاومت فلسطین را سرکوب نمود (واقعه، سیتا میرسیاه). این طرح که بهشتیانی آمریکا و شوروی را در پی خود داشت، با شکست مواجه شد. طرح دیگر امپریالیسم آمریکا، موسوم به طرح کمسپ دیوید بود که هدف اصلی آن بهما زش کشانیدن کشورهای عرب خط مقدم با اسرائیل بود که سرزمینها یشان تحت اشغال صهیونیستها قرار داشت. با حصول به چنین سازی آمریکا یک جبهه متحد عرب - اسرائیلی برای مقابله با جنبش فلسطین و نیز خط کمربندی فدا شوروی در منطقه را ایجاد میکرد. این طرح نیز با ایجاد جبهه پایداری و مقاومت سرسختانه، جنبش مردم فلسطین، علیرغم پیشرفتها که کردیا شکست روبرو شد. لذا در طرح کمسپ دیوید تنها کشور عربی که جرات رزید در این طرح شرکت کند، دولت مرتجع و وابسته، مصر بود که با ترو را خیسر سادات این طرح نیز عملا در نیمه راه شکست سیاسی خود را اعلام داشت.

بعبارت دیگر سیاست آمریکا و بطور کلی امپریالیسم غرب، با تکیه بر یکجانبه بر اسرائیل برای سرکوب جنبش خلفهای عرب و جلوگیری از توسعه طلبی شوروی، با شکست مواجه شد. در دور بعدی سیاست آمریکا برای متحد کردن مرتجعین عرب اسرائیل و همراه با آن ایجاد یک نیروی عربی و اکتس سریع و تکمیل پوشش را دارهای برنده برای حصول بدین اهداف سبک با ناکامی روبرو گشت. با توجه به چنین وضعیتی است که طرح نهاده یکبار مطرح میگردد.

طرح ۸ ماده ای فهد کوشش مرتجعانه ای است برای رفع آن دسته از نواقح و تضادهای که از پی عرفت سیاست امپریالیسم آمریکا برای تحکیم نفوذ خود در منطقه یعنی ارضان برداشتن و خنثی کردن جنبش مقاومت عرب و جلوگیری از توسعه و نفوذ شوروی - جلوگیری میکنند.

حلقه مرکزی در طرح فهد شامل برتکات ۶ و ۷ آن می باشد. ماده ۸ شتم از ایجاد یک نوع دولت فلسطینی سخن میگوید که نیروی تشکیل دهنده آن نامشخص بوده. لیکن تلویحاً ما زمان آزادی بخش فلسطین را در بر میگیرد. ماده ۷ بطور تلویحی میگوید موجودیت اسرائیل تاجران در منطقه توسط کشورهای و جنبش فلسطین رسمیت یسناد. تا بدینگونه مهمترین تضاد موجود در منطقه را با بهما زش کشانیدن جنبش مقاومت فلسطین و بر رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل حل و فصل نماید. البته این اولین بار است که، گرچه بطور غیر رسمی لیکن بطور موکدی، محافل امپریالیستی آمریکا طی ظاهرا بسند شناختی رسمی جنبش مقاومت فلسطین تن میدهند. و از اینرو این طرح ظاهرا نه ازواشکنن، بلکه از زبان غلام جلده کوش آمریکا، یعنی فهد عنوان میگردد. لذا این طرح بطور غیر رسمی از سوی محافل کاج سفید مطرح میگردد تا بطور آزما یی تا بس پیروزی خود را بسا نماید.

بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۴

طرح آمریکائی فهدو ههه

پس از اتمام کار تصویب معامله آواکس ها با عربستان، طرح فهدینا گاه در دستگاه تبلیغاتی عربستان و غرب جای میگیرد. اروپا طرح را معقول میخواند و به یکبارگی رهبران این طرح را مقوله ای "منبت" و "قابل بررسی" اعلام میدارد و اسرانیل آتراکا می در جهت صلح مینامد. حتی کار به آنجا میکشد که کمیانی نفتی موبیل اوایل در روزنامه های آمریکائی به درج آگهی هائی به این مضمون دست میزند: "با سازمان آزادیبخش فلسطین مذاکره کنید، طرح فهدرا مورد بررسی قرار دهید". در کنار چنین طرحی که تظاهر به مساومت جوئی از سوی آمریکا و مرتجعین منطقه میکند، موج سرکوب در اکثر کشورهای عربی آغاز میگردد، و بموازات آن حضور نظامی آمریکا و از جمله بشکل مانورهای وسیع و بزرگ نظامی در منطقه افزایش مییابد. عکس العمل تعدد، قابل ملاحظه ای از کشورهای مسرب در مجموع از رضایت اکثریت آنان از مفاد این طرح حکایت میکند، لیکن بنا بر مقتضیات روز و از ترس رسوائی در میان توده های مردم عرب از پشتیبانی رسمی خودداری میکنند. مهمترین مشکل در این طرح برای آمریکا و مرتجعین عرب نشان دادن رهبران جنبش مقاومت فلسطین به قبول و شناسائی موجودیت اسرانیل میباشد. لذا اکثر این طرح را "کامی منبت"، "معقول" و "قابل بررسی" میدانند، بدان نظر آنکه جبهه پایداری و در درجه اول جنبش مقاومت فلسطین با موضع مناصح جویانهای استخفافیاد و با دست کم با ایجاد انتساب در صفوف خود بتوانند چنانچه رایسه عنوان یک جریان فلسطینی به پای میرمذاکره بکشاند، از زبان اعضاء رهبری الفتح سخنانی نبررد کل این طرح بلکه تحت عنوان حاضر نبودن شرایط منطقه برای پذیرش این طرح شنیده میشود. و با کسان دیگری تحت این عنوان که تا ما زبستان آزادبخش فلسطین در طرح منظور نشده است، فعلا بطور ظاهری ابراز عدم رضایت میکنند، و با عدم حضور نیروی در مذاکرات را غیر قابل قبول میدانند، و با کمان دیگری مانند سوریه بیستتر از زاویه عدم وجود توازن قوا بنبط قوای عرب با این طرح مخالفت میکنند تا از زاویه مخالفت با اهداف اصلی این طرح، بهر حال این طرح تا ظریبه سازش گشایدن جنبش مقاومت فلسطین و توده های مردم عرب با حضور امیریا لیسیم و صهیونیسم و ارتجاعیون حاکم عرب است، و نمایی دستگاه های تبلیغاتی و نظامی و سیاسی دنیای امیریا لیسیم در به انجام رسانیدن این مهم به نقل می بردازند، این طرح کما کسان در دستور کار امیریا لیسیم و مرتجعین منطقه میباشد، و گرچه ممکن است محدود در آتیه به شکل و شمایل دیگری مطرح گردد لیکن مضمون سیاست کنونی امیریا لیسیم آمریکا را در بر خواهد گرفت.

بنامات حکومت ولایت فقیه در ایران با به تعویق افتادن مذاکرات بیرا مون طرح فهدینا کسان در ادامه تبلیغات خود بومیای خود را بدست گرفته و بر سر هر کوی و برون فریبستاد برآوردند که جمهوری اسلامی طرح فهدو امیریا لیسیم آمریکا را در

شکست داده است. آنها به استناد تبلیغات خودشان و بخصوص سخنرانی خمینی ادعا میکنند که: "مهمترین عاملی که زمینه شکست این کنفرانس را فراهم ساخت درایت و آگاهی مقام معظم رهبری انقلاب حضرت امام خمینی مدظله و رسیدن سی ملت قهرمان و مسلمان ایران و پیروی آنان از مقام رهبری بود" (نقل از پیام آیت اله منتظری ۷ آذر - کیهان). گویای کمی قیمت بسته حضرات بگویند که موضع ایران در ارتباط با طرح فهد اصلا در جلسات کنفرانس فاس مطرح نبوده و این موضع تنها در خیابان های شهرهای دارالظلم فقط هت خمینی است که در مرکز توجه قرار داشته است. آقاییان گمان برده اند که میتوانند با این تبلیغات عوام فریبانه که ما را به یاد تبلیغات شاه در مورد بالا بردن قیمت نفت می اندازد ملتی را که در طول زندگی خود هزاران توطئه گرمکارا مثال اینان را شناخته است فریب دهند. اما قضیه سروصدائی که درباره طرح فهد برپا شده است برده دیگری از بهک سیاست بازی فریبکارانهای است که سیه مقامات جمهوری اسلامی برای چندمین بار آثر ایبار گرفته اند. این سیاست همان نمایشی است که سران رژیم های ارتجاعی و مستبد از قضاوت نومبری در سودان و سادات در مصر نیز در دوران اولیة حکومت خود برپا میکردند و امروز هم در بسیاری از کشورهای منطقه که رژیم های بوروکراتیک بحران زده بر آنها حاکم است را بیخ میسازد. ما قبلا این قضیه را در ارتباط با طرح جبهه و احاد اسلامی و همچنین بیرا مون طرح جمهوری اسلامی درباره افغانستان توضیح داده ایم که هدف جمهوری اسلامی از این سروردها قبیل از هر چیز ایجاد یک مسئله تبلیغاتی برای عطف توجه مردم ایران از مسائل خطرناک داخلی است. استناد دقیقیه در ایران هر روز جامعه ما را بشوی سقوط و ملامت سوی میدهد و از سوی دیگر ادعای رهبری منطقه در حل مسائل بین المللی را می نماید. استناد دقیقیه از توافقی که در همین روزها بینا عربستان سعودی و دیگر کشورهای ارتجاعی عرب در مورد قیمت نفت کرده اند سخنی نمیگوید. استناد دقیقیه از مذاکراتی که در همین روزها با ژاپنی ها و کمپانی میوشی درباره پذیرش شرایط آنها برای شراکت در منابع پتروشیمی ایران در جریان است سخنی نمیگوید. استناد دقیقیه هنوز که هنوز است حقیقت ما جرای هوایمی آرزو نشینی و خرید سلاح از اسرانیل را بر ملا نگردانست اما هر روز در بوق و کرناهی "ندا امیریا لیسیمی" و "رهبری های خردمندانه" می آید و کمان سرده طرده مردم ایران هم مانند یک مشت عمامه مغلوب حزب الهی فریب دهنده های آسان را خواهند خورد.

اگر سخن بر سر صدافت در سیاست و مومستیزی اصولی است با بدبگوئیم که تجربه نشان میدهد که برای مقامات ولایت فقیه سیاست خارجی با بهترین بگوئیم تبلیغات در ارتباط با امور خارجه وسیله ای برای اجرای نقشه های بنییداخلی بوده است و تجربه بر خورد حضرات با مسئله فلسطین و احارسیا به هم تا هدای رزی بر این مدعا است.

بطور نمونه هنگامی که کمان زدن دولت لیبرالی بازرگان در دستور قرار گرفته بود سران حزب جمهوری اسلامی برای اینکه خودشان وجهه ای دست و پا کنند شدیدترین حملات را بدولت بازرگان بخاطر سیاست خارجی اش وارد نمودند. فارسی در یک سخنرانی تحت عنوان "بر خورد مکتبی به آرای فلسطین" صراحتا اعلام نمود که دفاع از سازمان آزادیبخش فلسطین توسط دولت ایران را بحکوم میکنند و به آن هم این سزده که سر

بقیه از صفحه ۲  
مالکیت ارضی و ...

که هیچکدام منافع اساسی مردم و دهقانان را منکسر ننموده و در ردیت کامل با منافسین دموکراسی، خلق و توده دهقان نی قرار دارند.

ب- آنکه طرح به مراجعت از قبول سیستم قرون وسطایی مزارع، بعنوان "مسلمات فقه شیعه" محبت میکنند. اینک سیستم استثنای مزارع از مسلمات فقه شیعه میباشد شکی نیست. ولی در حقیقت قبول نبوده است. استثنای مزارع در روی دیگر که ای است که طرف دیگر آن قبول مشروعیت مالکیت های فئودالی قرار دارد. زیرا به قول ایشان اگر با مزارع مخالفت شود، و با مبهم گذارده شود به مراجعت از آن دفاع نشود، بمعنی عدم قبول مشروعیت مالکیت های ارضی اسلامی! است. و با مالکیت اگر مدیا مشروعیت اسلامی مالکیت های فئودالی را ملاک قرار ندهیم، آنوقت است می با بستی معوله، مزارع را نفی کنیم که این به معنای نفی یکی از "مسلمات فقه شیعه" است. پس آنکس که حکم و طرح تشبیه و مشروعیت تمام و کمال مالکیت های ارضی را صادر میکند میبایستی شیوه استثنای ارضی را نوع مالکیت را، یعنی شیوه استثنای فئودالی مزارع، را نیز تمام و کمال قبول نماید. آنطور که توکل و شرکاء

خوب، پس تکلیف

دهقانان در این میسبان چیست؟ بر مبنای طرح توکل دهقانان نمیتوانند از حکومت الله در زمین، یعنی حکومت جمهوری اسلامی ایران، خواستار مصادره، املاک فئودالی که عموماً مشروعیت اسلامی دارند، بشوند! پس چگونه میباید دهقانان زمین داد؟ بر طبق گفته توکل که در ابتدا به آن اشاره نمودیم، حل این مسئله روشن است: بجای آنکه مقادیر هنگفتی پول صرف خرید املاک ترعی مالکین شود، میبایستی صرف به بهره برداری اراضی موات و یا سزیرکت بردن اراضی تحت آبی شود. همان نکته ای که اساس لایحه، مصوبه، شورای انقلاب است!

بدین ترتیب احتیاجی هم به اعمال ولایت نیست. ما در گذشته به دفعات توضیح دادیم که تقسیم زمین های موات بین دهقانان چیز مکرر و آسان نبود و منحرف نمودن جنبش قدرتمند توده ای ایشان نمی باشد. دهقانان نیز به روشنی به این نکته واقف و آگاه بوده و بویژه انگشت بر روی اراضی دا پرویا بسز مالکین گذارده اند و بسز بهره برداری زمین های ارضی هم نامی که سیستم کوفته نشود هرگز نمیتواند بطور اساسی عملی شود و این هم بجز سردوانیدن دهقانان نیست. آنچه نیاز فوری دهقانان ما است تقسیم زمینهای دا پرویا ثمالکین ارضی کنونی و املاک مصادره شده از رژیم پهلوی یعنی تقسیم اراضی بندهای معروف به "ب" و "ج" و "د" است و بسز! چ- آنکه طرح ایشان تکلیف آبی آن دسته از زمین های را که به حال میبایستی تقسیم و واگذار شود، را تسبیز روشن کرده است. بدین معنی

هما نظور که در مباحثه، ایشان ذکر شده، این نوع زمین های واگذار شده بر مبنای عملکرد مطلوب از حاکمیت حکومت خارج شده و به مالکیت خصوصی منتقل خواهند شد. روشن است که عملکرد مطلوب نمیتواند از جانب زمین های واگذار شده بدهقانان حاصل شود. بلکه اساساً از زمین های واگذار شده به افراد غنی و شرکت ها و موسسات کثرت و زری حاصل خواهد شد. در نتیجه، با توجه به مشروعیت کدایشان به سیستم استثنای مزارع داده اند، اراضی واگذار شده در آینده به مالکیت خصوصی درآمده و مشروعیت استثنای فئودالی را خواهند داشت. یعنی در یک کلام، احیاء تمام و کمال مالکیت های فئودالی در اراضی مشمول تقسیم و واگذاری! باید توجه داشت که ایشان و شرکا ایشان چشم به اراضی بسیار مرغوب دربار و فئودال - کمبرادورهای فراری دارند که در حقیقت انقلاب مصادره شده و آماده واگذاری است. که البته بخش مهمی از آن املاک، در گذشته از بد مالکین خالف دربار خارج شده و در اختیار رثاها و باندش قرار گرفته بود. رجعت تمام و کمال به سیستم مالکیت ارضی، در قبال از املاک شاه، مبنای طرح توکل است.

\*\*\*  
خلاصه کنیم. طرح جدید ارضی (توکل و شرکا) احیاء تمام و کمال مالکیت ارضی فئودالی و سیستم استثنای ارضی را از آنرا نمایندگی میکند. این طرح بدین منظور خواهد بود که احکام اولیه، اسلام بوده و با اعمال ولایت فقیه در زمینه مالکیت ارضی مخالفت است. این طرح خواهان دقیق تر نمودن لایحه ارضی مصوبه، شورای انقلاب بوده و با تغییرات و فرسرم در چارچوب نظم کنونی مالکیت فئودالی در روستا، آنهم بطور

موقت و بر مبنای احکام ما بود و اعمال ولایت فقیه، مخالفت است.  
طبقه کارگران که به منافع دموکراسی و خلق، که در اساس آن منافع نبوده، میلیونی دهقانان قرار دارند، به طرح فئودالی توکل و شرکا چگونه میگرد؟ اولاً آنکه طبقه کارگر در زمینه ارضی معتقدند تقسیم بودن و تمامیت با زور ارضی مزرعی از جانب مالکین فئودال، و بویژه مالکین بزرگ فئودالی، سود و اکبر بخواهییم اصلاح اسلامی آنرا بکار بریم، معتقدیم با مشروع بودن مالکیت فئودالی است. پس خواهان مصادره همه آنها بدفع دهقانان بی زمین و کم زمین بوده و دهقانان را با مقولات مشروع و نامشروع فریب نمیدهد. دوم آنکه طبقه کارگر در مصادره اراضی مالکین هرگز خواهان سازش با آنان نبوده و در نتیجه نه به مالکین پولی در مقابل املاک مصادره شده پرداخت مینماید و نه دهقانان بوسیله یا بت زمین حقدان میکیرد. سوم آنکه طبقه کارگر خواهان محو همه جا شیوه سیستم استثنای فئودالی و نیمه فئودالی رایج در روستا های ایران به هر شکل و قیافه بوده و در نتیجه خواهان محو سیستم استثنای مزارع میباشند. ربه دهقانان توضیح میدهند که چگونه سیستم مزارع که جزئی از فقه شیعه میباشند می بایستی از صحنه روستا محو و محو نماید. چهارم آنکه طبقه کارگر معتقد است که تقسیم زمین بدهقانان هرگز نباید در کسب حاکمیت شروع و نمایندگان فقها باشد. بلکه تنها کسانسی صلاحیت تقسیم اراضی را دارند، که نمایندگان دهقانان در شورا های منتخب دهقانان میباشند. و با لایحه آنکه طبقه کارگر دهقانان را از آگاه میسازد که اجرای نکات فوق فقط از طریق اتحادیه با طبقه کارگر و کسب بقیه در صفحه ۸

بقیه از صفحه اول

گزارشی مختصر از ...

یک گروه از نیروهای فتنی به "جکش" بدست آمدن خبر از نیروهای خود را در سه جبهه در اطراف ما از تن فیل آرایش داد و بر سر راه داشت که صبح زود ما را فلک گیر کرده، بدخیال خود سن "جکش" و "سندان" فرارمان دهد، اما برخلاف تصور من هم جکش و هم سندان هر دو به ما مرز سندگان سرید را فتاده، آنچنان کونما لی دیدند که در تاریخ شکستهای مزخرفین به عنوان یکی از مفتخرترین نمونهها ثبت خواهند شد.

دشمن ساعت ۷ و ده دقیقه صبح جمعاً شیراندا زینبای وسیع و انفجارات بی دربی در تمام جبههها که حاکی از وحشتی در نزدیکی به مقرهای سریداران بود جنگ را آغاز کرد و همزمان با آن هلیکوپترها نیز بر فراز منطقه زده و خورده پرواز کردند. این زده و خورد تا ساعت ۳ بعد از ظهر ادامه داشت و سرانجام مردودان نظام ولایت فقیه با سجا گذاشتن ۴۴ کسبه، مقادیر بسیاری سلاح و مهمات، دو خودروی سوخته شده و سی سم و اسلحه عملیاتی نشان با به فرار گذاشتند.

درجاده معدن سنگ درگاه با ساران رژیم دویا ریه دام رزمندگان ما افتادند. با راول در دست را ساعت ۷ صبح یک گروه ۲۰ نفریشان، گرفتار کمین سریداران شدند که همگی بسندون استثنائاً کشته یا زخمی گردیدند، با روم نیز هنگام عقب نشینی، با زده همان نقطه، سه خودرویشان که نفرات باقی مانده را اسوار کرده و آماده قرار بودند، با زده مرز سندگان سریداران فتاده که به آرزوی جی نفر بر اول که ۱۶ سرنشین داشت منفجر گردید و در اثر انفجار آن خودروی دوم نیز با سرنشینانش منفجر شد، در این نقطه ضربات سختی به دشمن وارد آمد که سندان را درجا خرد کرد، در روی بال منگله و دره آترو نیز نفرات را کشته اش کسبه در اولین حمله دشمن از فرماندهان خود را از دست داده بودند، زیر ضربات فیرمانان سریداران قرار گرفته ۱۴ کشته بجای گذاشتند و گریختند. مزدوران مهاجم که با سلاح برای خرد کردن سریداران بین "جکش" و "سندان" مان آمده بودند، با چیدن ضربت دلاوران ما آنچنان روحیه خود را با ختنند و با به فرار گذاشتند که فرصت نگردید حتی جنازه یکی از کشته شدگان خود را از محضه خارج کنند و اجسادنا بتکراتی کد در این نبرد بدست سزای خیانتهای خود رسیده بودند، تا سه روز روی زمین مانده بود و علی رغم بیامیهای متوالی که برای سیه و وسیع و ژاندار مسموری فرستادیم که میتوانستند بدون سلاح و همراه خانواده های ایمن کشته شدگان برای تحویل گرفتن اجساد ما را جمع کنند، جرئت نزدیک شدن به محل درگیری را نکردند و با لایحه خود سیه احترام خانوادها تا نا اجساد را که میرفت تا محیط را آلوده ساختند، زندگی و سلامت کالشان و دهقانان زحمتکش منطقه را به خطر اندازد درهما سجادین کردیم.

در این عملیات یک نفر از رزمندگان ما به شهادت رسید و دوشه دیگر نیز زخمی شدند.

غنا شمی که از این نبرد برای ما به جای مانده بسیار است، مقادیر بسیاری سلاح که جوانان ما دیگر را در کنار ما و برای به پیش بردن نبردهای بزرگتر مسلح خواهد کرد بدست ما افتاد، اما سبب بزرگترین نمره این نبرد برای ما برانگیخته شدن شور و شوق مردم و اعلام آمادگی توده ها برای پشتیبانی از ما و در هر بیفتگی روحیه سیه و دیگر مزدوران رژیم جبار را کم بود. این وضع تا بدنا رسیده که از یک سو در شهرها بی نظیر آمل و بابل امروز دیگر جاسوسان رژیم هیچگونه کنترل بر مردم ندارند و سوی دیگر سیه مجبور است به درو دیوار شهرها بنویسد که "روحیه سیه سیه بنیبه در صفحه ۸"

سریداران برای خود ما نیز ما فوق تصور بود. با ساران دشمن با شنیدن خبر حضور سریداران در جاده، با سکا ه کوه سنگ را در چند کیلومتری محل راهبندان تخلیه کرده ساعت گریختند و ز سندگان سریداران بدون هیچگونه درگیری بر ما سه عملیاتی خود را به پایان رسانده، جاده را ترک کردند. در نما طول این ۲ ساعت و نیم حتی یک کشتی دشمن جرئت نزدیک شدن به محل راهبندان را نکرد، این مزدوران خسود فروخته در همان حد که آتش سلاح سریداران وحشت دار شد، از خشم و غضب مردم آگاه ما نیز در نیمه اندورا هبندان جاده آمل شهران مرکز تلاقی و بسوند آتش سلاح سریداران و تجمع تورا نکیز مردم دلاور ما بود.

۲ - درگیری درجاده اما مزاده عبدالله - عصر همین روز هجدهم آن یک گروه از رزمندگان ما با یک واحد کشتی دشمن کنار جاده اما مزاده عبدالله درگیر شدند، در این درگیری ارسه نغروا حد کشتی دشمن، دو نفرانی که یکی از آنان رئیس بسیج آمل بود کشته شدند و نفر سوم زخمی گردیده، گریخت. یکی از رزمندگان ما سیزده این درگیری به شهادت رسید که به موقع خود نام این شهید افتخار آفرین، اولین کل سرخ حرکت انقلابی سریداران اعلام خواهد کردید.

۳ - درگیری جمعه ۲۲ آبان در جنگل - این درگیری بزرگترین درگیری بی بوده که تا کنون ما با مزدوران رژیم خمینی داشته ام، ویژگی این درگیری این بود که از طرف رژیم طرح ریزی شده بود، و با سلاح ابتکار عملش در دست آدمکشان رژیم بود، بر ما ه ای بود که طبق اطلاعاتی که بعد از اسناد بدست آمده و اسرای دشمن کسب کردیم، حاصل زحمت بیس از یک مساهه جاسوسان محلی سیه آمل، ژاندار مری و فرماندهی عملیات در شهران بود. دشمن توسط سه س از مزدوران محلی خود که هر سه شناخته شده اند و پرودی به سزای خیانت خود خوا هتدریدند. وهم حسین ساکمک هلیکوپتر محل استقرار رخی از نیروهای ما را در منطقه جنگلی آمل سنا سانی کرده و تدارک یک حمله غافلگیرانه به ما را دیده بود. این بر ما سه تدارکاتی که طبق اسناد بدست آمده سنی از یک ما ه ناجا منی طول کشیده، تحت رهبری یک سرنسک و در ستاد فرماندهی ای در شهران هدایت میشده و سیه و بسیج کلان و ما زبندان، ژاندار مری و انجمن های اسلامی شهرها و روستاهای ما زبندان در عملی کردن آن شرکت داشته اند. دشمن در این عملیات "محاصره و سرکوب" خود ز همه سلاح های قابل حمل به منطقه کوهستانی، از تفنگ و نارنجک انداز تا آرمی جی و خمپاره استفاده کرد. حدود هزار نفر را کشته از خود فروختگان سیه ای، از سندانزلی تا گرگان همه را در سیر میکرفت بسیج کرده و با ۴۸۰ نفر نیروی زنده و آماده! خود سیه محاصره، محل استقرار نیروهای ما پرداخت، اما رزمندگان سریداران در این درسی به دشمن دادند که تا پایان عمرش - که بسیار نزدیک است - هرگز فراموش نخواهد کرد.

دشمن طبق نقشه ای که زبندان و سایل یکی از فرماندهان





فقیه از صفحه آخر

یادداشت‌ها ش ۵۵۵۵

واقعا متعینات و توهیسات بودند و بهمین خاطر در انقیاب  
 ترکی اعجاب آورده شدند امروز در رژیم ولایت فقیه در معمر  
 ضعیفاتی مدجندان قرار گرفته اند آنچه "اسلام ضامن" ولایت  
 کنونی سرسرایین بخش مهم از اجتماع ایران می آورد و خود  
 بهترین محک برای نشان دادن درجه آزادی در جامعه ما است.  
 در کارها و احکامات ادارات و در زندگی خانواده‌ها و در سراسر  
 رویای زندگی اجتماعی، زبان موجوداتی ناسوان و ناسخی  
 عقل و ابزار شهوت‌رانی مردان تلقی می‌شوند و از همه بدتر آنکه  
 اینچنین وضعیت را هم در واقع رهائی رسان از گذشته استوار  
 می‌خوانند. توکل‌های که زنان آگاه ایران گذاشته‌اند و برای  
 و تبلیغات کذابی آریا مهری فریب نخوردند و در برابر اسناد  
 اوقیام کردند ستم آشکار و صریح و قبحات حشرات را نادیده  
 خواهند گرفت و فریب تبلیغات سخره رژیم مسدک‌گویی را  
 خواهند خورد.

هر روز ولایت فقیه ز سینه را برای وابستگی هر چه بیشتر  
 جامعه ما فرا هم‌تر می‌کند. اگر چه برای امرک بر آمریکا و سرک سر  
 شوروی و غیره بر آسمان بلسادست ولی ولایت فقیه حسی در  
 ما ساری از خاک میهن در برابر تحا و زحارجی سردر ما سسد  
 است. از لحاظ اقتصادی نه تنها سوی خودکفائی کسب نام  
 بر می‌داریم بلکه سیاست‌های ایلینا نه در زمینه‌های تولیدی  
 رسیدن برای ورشکستگی کامل اقتصاد ما فراهم کرده و سعست  
 نخواهد بود اگر استان بر سر کار رسا شود و ولایت کسب  
 عاقبت گامه کذابی در مقابل بیگانگان امیرا است بدست  
 بگیرند و به حیا و ارتباط آجتان کدنا کنون هم جد جسته‌مانی  
 داده‌اند، خیانت‌های بزرگ را آنچه پهلوی جا کردند در اجه  
 ما هدیا شیم.

در شرایط کمونی که گروهی سرمایه‌دار بزرگ وابسته به  
 اردوی ولایت فقیه هر روز میلیونها و بلکه میلیاردها تومان به  
 جیب می‌زنند و سرکست ولایت فقیه سرمایه‌داران متوسط و کوچک و  
 کسبه، حردیها هر روز با کرمه‌ریهای اقتصادی بیشتر مواحد  
 می‌شوند و ما بیندگان سیاسی آنها نیز هر روز مورد خشم و غضب  
 بیشتر و قلم ولایت ترا می‌گیرند. کاره آنجا کشیده است که حتی  
 نمازندگان روحانی اینگونه طبقات هم که بیندگان می‌آیند از  
 کزنده شیخ مفتشین و جلادان ولایت خمینی در اما ن نمی‌مانند و  
 یا ما نند آیت‌الله‌ها و هی‌ها جان صبا زندی نسل شیخ علی‌سی  
 سهرانی‌ها به محبس فرستاده می‌شوند و از این معنی آنچه ایمن  
 ولایت فقیه اکنون در جامعه ما می‌کنند و آنجا که ما را بدان سوسوی  
 می‌دهد بسیار میتوان گفت. خمینی زمانی در باره رژیم شاه  
 میگفت که او و ملکت ما را خراب و کور ستانهای ما را آبا دگسرد  
 است! امروز ولایت خمینی دقیقا جای سلطنت شاه را گرفته است  
 وجه واضح است که اینها نیز جز این نگردند و فرزند خلف آنها  
 نداند.

برای جامعه ایران ولایت فقیه - حکومت دین نندشها  
 نوای دردست بلکه باعث بسیاری مصیبت‌هاست. تحقق واقعی  
 خواست‌های خلق می‌طلبند که این ولایت هم بدینال آن سلطنت  
 رهبا برگردد!



و سایر این چاره‌های جزیر فراری حکومت زور، دام زدن بسده  
 نرفته، ملی و عاقبت هم‌نا بودشدن در برابر و ندر خسرونی و  
 سیمکین تاریخ نخواهد داشت.

اما از سیاست‌های فکری ولایت فقیه بگذریم و به عملکسر  
 روز مره بپردازیم. مردم ایران امروز بی‌وضوح شاه‌دهد می‌کنند که  
 وضع نسبت به دوران محمدرضا شاه اگر بدتر نشده باشد بهتر نشده  
 است. حقوق دموکراتیک مردم و آزادیهای سیاسی و امنیست  
 احسانی که ظاهرا در قانون اساسی این جمهوری شیر در باره آن  
 لغای نه شده بود آجتان لکد نال می‌شود که رژیم خمینی را بسا به  
 ضررند خلف رژیم سلطنت استنادی رما جان و محمدرضا خان بسده  
 مردم‌شاهانده است. اسرکوب خلقهای سمدیده در سراسر ایران  
 بگذریم از نفا حث بعروف به انقلاب فرهنگی که بگذریم، از  
 هزاران جناح کوچک و بزرگ که در جهار کونه، این سلکت نران  
 سداند توسط مفتشین رژیم‌ها کم‌صورت گرفته است هم در کدریم و  
 سنا دگار ما مه این رژیم را خردا دما سه بدین سوسو بکتریم و  
 سسیم که چگونه ما با یکی از خشن‌ترین و سست‌ترین حکومت‌های  
 جهان روبرو شده‌ایم.

کارگران مادر کارخانه‌ها از هیچگونه آزادی برخوردار  
 نیستند، نه تنها از قانون دموکراتیک کار و عده، آن داده‌مینه  
 خسری نسبت بلکه استناد ما ده ۴۴ قانون کذابی کار رهس روز  
 کارگران را استدلال سیاسی و اعتمادی از کارخانه‌ها خسراج  
 میکنند. شورا‌های کارگری به بازار دست حزب الله و ولایت فقیه  
 تبدیل شده‌اند و اخیرا حتی سندیکا‌های صنفی کارگری را نیز  
 سدائل می‌کنند و زمینه را برای آنچه رئیس مجلس راحت‌کسردن  
 خیال مالکین شرعی می‌نامد فراهم می‌نمایند.

کارگرانی که اعتصاب‌های بزرگ و نران رژیم سلطنت را  
 صلح کردا مرور رسا و ولایت از حق اعتصاب بعرو مند و حتی چنانکه  
 آمد با اجراج‌های وسیع حتی هر روز از حق کار رهس محروم می‌شوند.  
 ولایت فقیه برای کارگران ایران جز دور سمای یک زندکسی  
 اسفبار بیایمی ندارد و جز خا طره دیکتا توری محمدرضا شاهی در  
 کارخانه‌ها چیزی را بسا د نمی‌آورد. به این ترتیب خسرسروش  
 انقلابی طبقه کارگر ایران که در انقلاب ایران نقش ویژه خود  
 را ایفا نمود هرگز در محدوده ولایت فقیه خا موش نخواهد شد و این  
 بند را بسیزیای این ملت خواهد گشود.

مردم ایران در روستاها هنوز در حسرت زمیسن و آزادی  
 می‌سوزند، آنها عدالت اجتماعی می‌طلبند اما ولایت فقیه  
 بسیر غم‌لغای‌های عوامی به هر چه می‌گذرد طرح هسسی  
 خا شانه تری را برای تثبیت فتودا لیم در جامعه مطرح میکنند  
 چرا که مالکیت‌های فتودالی، موقوفات و همچنین استعمار  
 فتودالی به‌شود، مفا رعه در اسلام محترم بوده و بخصوص اگر سهم  
 ما وقت بردا خسته شده‌باشان مالکیت‌ها مقدس بوده و کسی که  
 بخوا هد قدم از کلیم خود فرا تر نهد و به مالکیت‌های بزرگ دست  
 اسد! زی کند محارب و محکوم به اعدام است.

زبان ایران که در دوران سلطنت پهلوی در سرفرازی انواع و

## یا دداشتهائی درباره ولایت فقیه

(دنیای زمامداران)

امیرالایم - امنیت اجتماعی و آزادیهای سیاسی - عدالت اجتماعی - رشد فرهنگ سودای منکی بر ارتقاء عزت نفس ملی - حل مسائل مربوط به کثرت و تنوع و صنایع - نابودی فسادلحسام کسبخته ای که رژیم جاگمدا من میرد و... خلاصه احقاق و حقوق و دمکراتیک خلق انگیزه های اصلی مردم ارتک در انقلاب و ترغیب آنها از این مبارزات بود. نگاه به کفترها و بیامیهای خمینی درباره ریس و قتل از آن درنح هم نشان میدهد که دقیقاً ساختار طرح مسائلی از اینگونه بود که خمینی با اقبال عام مردم مواجه گردید و حتی امروز هم حکومت مستبدگونی در تبلیغات خود با ظاهرها ساز میگویند تا هر جا که بشود خود را واقف دانند اینگونه اهداف جلوه دهد.

اما خوش بود که محک تجربه آید به بیان! تجربه وزندگی واقعی به مردم نشان داد و میدهد که ولایت فقیه نه تنها به حل مسائلی که انقلاب برای از میان برداشتن آنها برپا شد و ناسا نیست بلکه بخاطر ریشه های طبقاتی اش همانند حکومت سلطنتی هر روز نیز برپا بعد مشکلات میآید.

ولایت فقیه از لحاظ اندیشه منکی بر اسلام است اسلام معروف به اسلام فقاهاست. نگاه به کتب و رسائل از نشان حلیه المتقین و کاسب و غیره و با حتی نوجده به معنای احتسالی محمدی کیلانی درباره، قضا و یا آقای منگینی در ساره، مثال مختلف مملکتی نشان میدهد که حضرات تا حد غرق در اندیشه - هائی هستند که سالیها و بلکه قرنهای کد را لحاظ اصول اجتماعی و روابط میان مردم در سطح یک کشور و در سطح سیر المللی کنا رکذا شده اند. حقیقت این است که ما در این مورد خود را از ذکر مثال بی نیازی بینیم. به هر کتا با بایه ای فقه و اصول که رجوع کنید در میان رهنمودهائی که بر اساس احادیث و روایات آمده است شما به مسائلی که در زندگی امروز سرخه به نظر میرسد برخورد کنید. و تا بید رجوع به سالیه، "توضیح المسائل" شخص خمینی در این زمینه نمونه، روشن اندیشه های قرون وسطائی با تدکاه مروره قرار است سرچ و راهنمای ساختمان ایسرا ن انقلاب کرده قرار بگیرد.

بنا بر این پیدا است که ولایت فقیه که از لحاظ بنیاد هسای ایدئولوژیک منکی بر اسلام قرون وسطائی فقاهاست نمیتواند با سخوی مشکلات و مسائل روز باشد. این اندیشه، قرون وسطائی با یافت بر کنا کش جا معده ایران در تفا دفرا رگرفته است. جا معده ایران که در نتیجه، یک تب و تاب دموکراتیک انقلابی بر علیه سلطنت برپا نمود دنیا زمینیک مرجع ایدئولوژیک - دموکراتیک و منکی بر اندیشه های پیترو دوران ماست و ایسرا اندیشه و مرجع بنظر ما کمونیت ها ما رگسیم - لنینیم و در این مرحله اندیشه های دموکراتیک نوینی است که میتواند سگسان کشتی جا معده ما را در کنا کش های بحران داخلی و خارجی بسه دست گیرد و به پیش براند. ولایت فقیه از نظر بنیاد های نسکری قرون وسطائی که بر آنها منکی است ذاتاً با آن تب و ناسب دموکراتیکی که ظاهراً این جمهوری در نتیجه آن بوجود آمده است متفا د است

(بقیه در صفحه ۹)

در بخش هائی از این با دداشته ها که در هفته های گذشته از نظرتان گذشت، نوشتم که ولایت فقیه اگر چه بطور کلی مقبولست و اندیشه ای سیاسی مربوط به صدها سال پیش از این بوده است اما توسط خمینی بدنیاال مبارزات مربوط به سالهای حول و حوش با نزه هم خرد؛ ۱۳۴۲ شکل تدوین تدهای مجددا عرضه گردیده است. ذکر کردیم که در آن دوره نظریه، ولایت فقیه با حاکمیت روحانیت (فقاها) بر جا معده توسط خمینی در برابر حاکمیت استبدادی و وابسته، محمد رضا شاد و اعوان وانما رتر مطرح شده بود و دیدیم که چگونه این سطر به بخاطر مخالفت با سلطنت محمد رضا هائی نه تنها مورد استقبال اکثریت مراجع سا زشکا رومما شانجو فرا رن گرفت بلکه با مخالفت آنها ن نیز روبرو شد. اما منطقی ناریخ که در زندگی و مبارزه، مردم شکل میگیرد چنان حکم کرد که بوسیدگی و فساد دیکتا توری محمد رضا هائی انقلابی بزرگ را در دستور کار نیروهای جا معده، ایران قرار دهد و چنین شد که در شرایط ضعف و عقب ماندگی نیروهای جنبش کمونیستی و همچنین در شرایط ورشکستگی و زخونی های معطر جریانات مربوط به بورژوازی ملی، ختینی بر جمدا ر حرد به سوز و آری سنی ایران و در ادامه به مبارزه بر جمدا ر انقلاب عمومی مردم ایران کشت و بدینسان بجای رژیم سلطنت استبدادی وابسته رژیم جمهوری اسلامی متولد نمود و زمینه برای طرح هر چه پیشتر مقلوبه، ولایت فقیه فرا هم شد و عاقبت پس از دوره ای از کنا کشهای مختلف اجتماعی بجای سلطنت محمد رضا شاد و دربار، ولایت خمینی و فقاها پیش نشست.

بدین ترتیب امروزه ولایت فقیه شکل حکومت در جا معده، ایران شده است و در حقیقت همان جایی را در سیستم دیکتا توری طبقاتی کنونی داراست که سلطنت در گذشته مبداشت. غرض ما در این سطور بررسی این ولایت جدیدالتاسس و مقایسه آن با آن سلطنت کهنه از یکسو و از سوی دیگر آشکارا سخن جا بکه آن در برابر حرکت تاریخی - اجتماعی ملت ایران است.

باید گفت، و این روزها به این مسئله کمتر توجه میشود، که مردم ایران برای جا بگرینی ولایت فقیه بجای سلطنت انقلاب نگرده اند. منظور از این سخن این است که اکثریت قریب بد اتفاق مردمی که در انقلاب دوم ایران (بعد از انقلاب مشروطه) شرکت داشتند اگر چه مسلمان بودند و تا حدودی در سطوح مختلف رهبری خمینی را هم پذیرفته بودند اما بخاطر جا بگرینی ولایت او و همقطاران بجای سلطنت شاه و همرا هانش به میدان مبارزه نیا مدند. این درست است که "اسلام خمینی" برای بسیاری بر جم مباره بر علیه شاه حتی مدتی بر علیه امیرالایم شمسده بود اما هرگز نیا بدکمان کرده توده، مردم با شناخت و پذیرش جنبه های ارتجاعی این مکتب بدنیاال آن روان شدند.

مردم انقلاب کردند چرا که میخواستند خودشان حکومت کنند میخواستند حکومتی داشته باشند که مسائلی را که حکومت سلطنت وابسته به بیگانگان از لاجل آن عاجز بود و هر روز نیز عا مدانه بر ابعاد آن می افزود جل کند.

در همگسستن استبداد قطع روابط سلطه پذیرانه بسا